

## تحلیل مضمون آثار اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و مبانی قرآنی آن

بی‌بی سادات رضی بهابادی<sup>۱</sup>

آتنا بهادری<sup>۲</sup>

زینب پورکاویان<sup>۳\*</sup>

### چکیده

اقتدار، مبحثی راهبردی و نیاز مبرم حکومت‌ها است. از مهم‌ترین عواملی که در اقتدار ملی اثرگذار است، رهبر جامعه است. پس از رحلت امام خمینی (ره) تاکنون، رهبری ایران اسلامی بر عهده‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است. اقتدار از منظر ایشان بسیار مورد توجه بوده است و آثار مهمی در بردارد. اثر حاضر، پژوهشی توصیفی-اکتشافی است که با استفاده از فرایند تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA، آثار اقتدار ملی را در بیانات معظم‌له بررسی و مبانی قرآنی آن را استخراج نموده است. دستیابی به اهداف و منافع اثری است که اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در پی دارد که خود به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. آثار داخلی به ترتیب فزونی شامل: برقراری امنیت، ایجاد عزت و عظمت، بقاء و ثبات کشور، برپایی دین و اخلاق و حرکت و پیشرفت کشور است. آثار خارجی نیز به ترتیب شامل: تأثیر بر دشمن، تأثیر بر دیگر ملل و تأثیر بر مناسبات و روابط بین‌الملل است.

### واژگان کلیدی

مبانی قرآنی، اقتدار ملی، آثار اقتدار ملی، آیت‌الله خامنه‌ای.

b.razi@alzahra.ac.ir

a.bahadori@alzahra.a

<sup>۱</sup> - دانشیار هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)

<sup>۲</sup> - استادیار هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)

<sup>۳</sup> - کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س) (نویسنده مسئول)

Poorkavian73@gmail.com

تاریخ پذیرش: 1399/4/7

تاریخ دریافت: 1399/1/29

**بیان مسئله**

اقتدار و قوی شدن کشورها از مباحث اساسی هر حکومتی است. این واژه، گاه به صورت مفرد و گاه به همراه یک وابسته مثل اقتدار نظامی و سیاسی به کار می‌رود. اقتدار، امروزه به معنای برخورداری از میزانی از قدرت رسمی و فرمانبرداری دیگران و احراز برخی وظایف خاص در محدوده‌ی مقررات خاص است (لاریجانی و غلامی 1390، صص 69-70 و 76). اقتدار شخص یا نهاد بدین معنا است که قابل احترام و موثق است یا می‌شود با نظر مساعد یا دست‌کم بدون سوء‌ظن به پیامش گوش کرد و عمل نمود. مفهوم اقتدار را باید از دیدگاه کنشگری (شخص یا نهاد) که حکم یا پیامی را صادر می‌کند و از دیدگاه دریافت‌کننده‌ی آن بررسی کرد (بودون، بوریکو 1385، ص 48).

کشوری که از قدرت برخوردار نباشد، امکان حیات مستقل از آن سلب می‌شود و نمی‌تواند رضایت ملت خود را جلب نماید و به خواسته‌هایش دست‌یابد. علاوه بر لزوم کسب اقتدار در جهت اهداف و منافع داخلی و ملی، در عرصه‌ی فراملی نیز حائز اهمیت است. در وضعیت کنونی جهان که برخی از ملت‌ها تحت سلطه و تجاوز طاغوتیان زمان به سر می‌برند، اگر ملتی بخواهد به یاری آنان به پا خیزد، به ناچار باید از یک مصونیت و بازدارندگی برخوردار شود و بتواند نقش اثرگذاری در عرصه‌ی جهانی داشته باشد؛ این مطلوب به دست نخواهد آمد مگر با اقتدار ملی.

از مهم‌ترین عواملی که در اقتدار ملی اثرگذار است، رهبر جامعه است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای دوره‌ی زعامتشان بر این موضوع اهتمام ویژه داشته‌اند. علت این توجه، نیاز به بررسی آثار اقتدار در بیانات ایشان دارد؛ از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ به چستی آثار اقتدار ملی در بیانات معظم‌له و استخراج مبانی قرآنی آن است.

درباره‌ی آثاری که اقتدار ملی در بیانات مقام معظم رهبری در پی دارد، پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله: نقش اقتدار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر امام خامنه‌ای، اثر محمدجواد علیزاده و علیرضا مرادی صالح (1391) و تأثیر اقتدار دفاعی بر اقتدار سیاسی از دیدگاه امام خامنه‌ای، اثر فتح‌الله کلانتری (1396)؛ اما در پژوهش حاضر علاوه بر اینکه آثار اقتدار ملی در بیانات مقام معظم رهبری به طور کامل و با روش تحلیل مضمون استقصا شده، مبانی قرآنی مضامین حاصل نیز استخراج و تبیین گشته است.

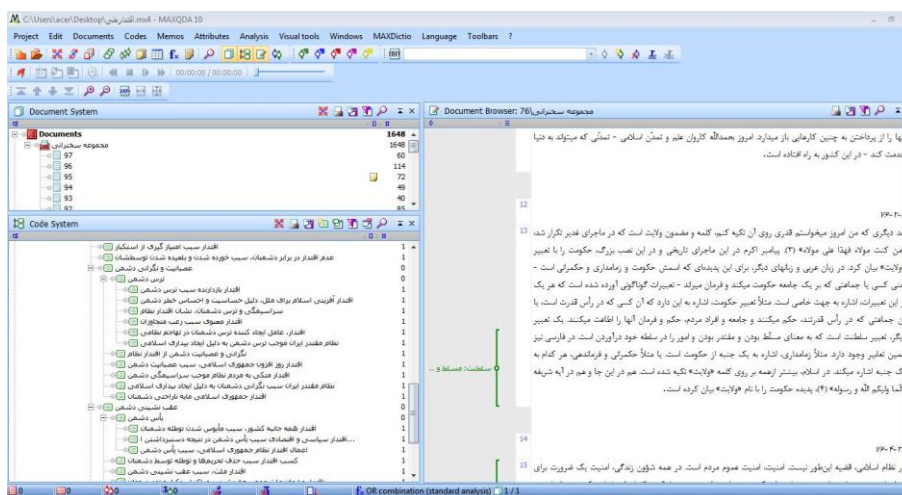
**1- روش تحلیل مضمون**

تحلیل مضمون، نخستین مرحله در روش‌های کیفی است که پژوهشگر باید آن را یاد بگیرد؛ زیرا این روش مهارت‌های لازم برای اجرای دیگر روش‌های کیفی را در بردارد و می‌توان آن را در اکثر روش‌های کیفی به کار گرفت. تحلیل مضمون یک فرآیند برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است (کمالی 1397، صص 191-192). در این فرآیند، داده‌های متنی پراکنده و متنوع

به داده‌هایی غنی و تفصیلی برای شناخت و تحلیل و گزارش الگوی موجود در آن‌ها تبدیل می‌شود. روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده‌ی نظام‌مند شخص، گروه، موقعیت و... و تبدیل داده‌های کمی به کیفی. (1) عدم لزوم دستیابی به نظریه؛ (2) عدم پایداری به چهارچوب نظری که از قبل تعیین شده؛ (3) لزوم بررسی تمام منابع و تحلیل و تفسیر تمام مضامین؛ (4) توجه بیشتر به بافت داده‌ها و نکات ظریف؛ (5) فراتر از شمارش رفتن و تمرکز بر ایده‌های صریح و ضمنی؛ (6) بیان واقعیت و تبیین آن و (7) ارائه‌ی تحلیلی تفسیری از ویژگی‌های آن است (عابدی-جعفری و همکاران، 1390: 153-158).

با توجه به اینکه ابزار تحلیلی در پژوهش حاضر شبکه‌ی مضامین است، برای غنی‌سازی، دستیابی به داده‌های منظم و انجام فرایند تحلیل مضمون، باید گام‌های شش‌گانه‌ای را طی کرد که عبارتند از: آشنایی با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جست‌وجو و شناخت مضامین، ترسیم شبکه‌ی مضامین، تحلیل شبکه‌ی مضامین و تدوین گزارش (همو: 178).

در این پژوهش ابتدا بیانات رهبری با دو کلید واژه‌ی «اقتدار» و «مقتدر»، از آغاز دوره‌ی رهبری‌شان تا پایان سال 1397 بررسی گشت. این بیانات به نرم‌افزار MAXQDA منتقل گردید. پس از انجام کدگذاری و تشکیل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، شبکه‌ی مضامین کلام ایشان ترسیم شد. معیار تشکیل مضامین پایه، دارا بودن حداقل چهار کد است و مطالبی که کمتر از چهار کد دارند، بیان نگشت. در مرحله‌ی بعد، پس از ارائه گزارش شبکه‌ی مضامین، با مراجعه به آیات قرآن کریم و تفاسیر، مبانی قرآنی کلام ایشان نیز استخراج گردید.



تصویر 1: نمونه کدگذاری و تشکیل مضامین در نرم‌افزار

## 2-معناشناسی اقتدار

در این بخش مفهوم اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و قرآن کریم ارائه می‌شود.

### 1-2- مفهوم اقتدار در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

اقتدار ملی در بیانات معظم-له به واحدی سیاسی تعلق می-گیرد. منظور از واحد سیاسی، یک دولت-ملت است (بیانات 74/06/08؛ 80/02/28؛ 81/09/15). با بررسی بیانات رهبری به-دست می-آید که این واژه دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است؛ وجه ایجابی آن بدین معنا است که نظام اسلامی توانایی پیشبرد کارها، دستیابی به اهداف و توانایی حضور فعال و اثرگذار در بین-الملل را داشته باشد. وجه سلبی آن بدین معنا است که نظام توانایی مقابله در برابر زورگویی-ها و دخالت-های بیگانگان را داشته باشد؛ نفوذناپذیر باشد و از تهدید دشمنان هراس نداشته باشد (بیانات 80/02/28).

سطوح اقتدار ملی در بیانات معظم-له شامل اقتدار حقیقی و در مقابل آن اقتدار ظاهری است؛ این تقسیم برگرفته از مجموع بیانات معظم-له و بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی است. معظم-له در تبیین توقع-ها از نیروی انتظامی می-فرماید: «اقتدارهای ظاهری در حقیقت اقتدار نیست.» (بیانات 73/04/21). مقصود از اقتدار ملی که نظام در پی آن است، اقتدار حقیقی است. در تقسیم-بندی مبتنی بر عرصه-های نمایش و اعمال اقتدار، سه تقسیم اقتدار داخلی، منطقه-ای (بیانات 92/01/01؛ 89/01/01) و بین-المللی (بیانات 89/01/01) وجود دارد.

اقتدار در بیانات ایشان دارای سه ویژگی مهم است: الف- درون-زایی: اقتدار ملی امری درون-زاه بومی و با استفاده از قابلیت-ها و استعدادهای خود است. امری برگرفته از بیرون، القایی و تزریقی نیست (بیانات 97/04/09). ب- مبراً از ظلم-گرایی: از دیگر ویژگی-های اقتدار ملی، عدم ملازمت آن با تجاوزطلبی، ظلم، سرکوب و حمله به دیگر ملل مظلوم است؛ بلکه با احترام و نگاه برادرانه و دفاع از دیگر ملل مظلوم همراه است. ایران طرفدار نگاه برادرانه و صمیمانه به کشورهای همسایه، کشورهای مسلمان و دیگر ملل دوست در منطقه-ی خاورمیانه و دیگر مناطق است (بیانات 83/10/02). ج- همه-جانبه: اقتدار ملی، یک مفهوم مرکب، پیچیده و چند-جانبه است. چند-جانبه بودن اقتدار ملی بدین معنا است که تنها با قدرت یافتن و توانمند شدن یک بعد در کشور حاصل نمی-شود؛ بلکه باید در ابعاد مختلف معنوی و مادی قدرت یافت (بیانات 88/07/14).

اقتدار ملی را می-توان براساس ارکان و اجزاء به قسمت-هایی تقسیم کرد؛ از جمله: اقتدار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی (بیانات رهبری، 80/02/28)، نظامی (بیانات 96/03/17) که از ارکان اقتدار ملی هستند؛ همچنین به-صورت خرد: اقتدار علمی، اطلاعاتی، فکری، روحی، رزمی، امنیتی، تسلیحاتی، موشکی، اداری و... (بیانات 89/08/02؛ 69/02/22؛ 78/02/29). هر یک از این ارکان و اجزاء بر اساس عناصر تشکیل-دهنده-شان، قابل تقسیم به دو دسته کلی اقتدار مادی و معنوی هستند.

## 2-2- مفهوم اقتدار در قرآن کریم

قدرت و اقتدار از موضوعات اجتماعی است که در قرآن کریم آمده است. ریشه «قدر» در قرآن کریم به معنای اندازه و توانایی است. در قرآن کریم، واژگان «قدیر» و «مقتدر» که از ریشه‌ی قدر هستند، پیوسته در وصف خداوند آمده‌اند (قرشی، 1354، ج 5، صص 246-250). ریشه‌های «قوت»، «علو» و «سلطان» از واژگان قریب‌المعنی آن هستند؛ همچنین اقتدار با ریشه «ضعف» متضاد است.

آیات قرآن همه‌ی قدرت‌ها را متعلق به خداوند می‌دانند: «...أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...» (البقره: 165). در آیات، خداوند به عنوان خاستگاه اقتدار معرفی شده است و همه‌ی قدرت‌ها از ناحیه‌ی او است: «...مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ...» (الکهف: 39). در قرآن کریم، انتشار قدرت از رأس به ذیل است (شجاعی-زند، 1376، ص 60)؛ یعنی قدرت پیامبر اکرم (ص) از ناحیه‌ی منشأ آن و در طول قدرت خداوند است و قدرت مؤمنان نیز به واسطه‌ی ایمان و باورشان از خداوند نشأت می‌گیرد.

در آیات، قدرت به دو نوع ممدوح و مذموم قابل تقسیم است. قدرت مذموم به‌طور تسامح قدرت نامیده می‌شود؛ زیرا در حقیقت در برابر قدرت الهی و انتقال قدرت به مؤمنان، ضعیف و ناتوان است. معیار در ممدوح و مذموم بودن اقتدار، حق‌گرایی است. از آنجایی که برتری اسلام و لزوم برتری مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی در آیات به‌روشنی نمایان است، آیات به لزوم اقتدار جامعه‌ی اسلامی اشاره کرده‌اند. هدف قرآن از امر به کسب قدرت، ایجاد بازدارندگی نسبت به دشمنان، برقراری اوامر و احکام دینی در جامعه و دیگر مواردی است که در این پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

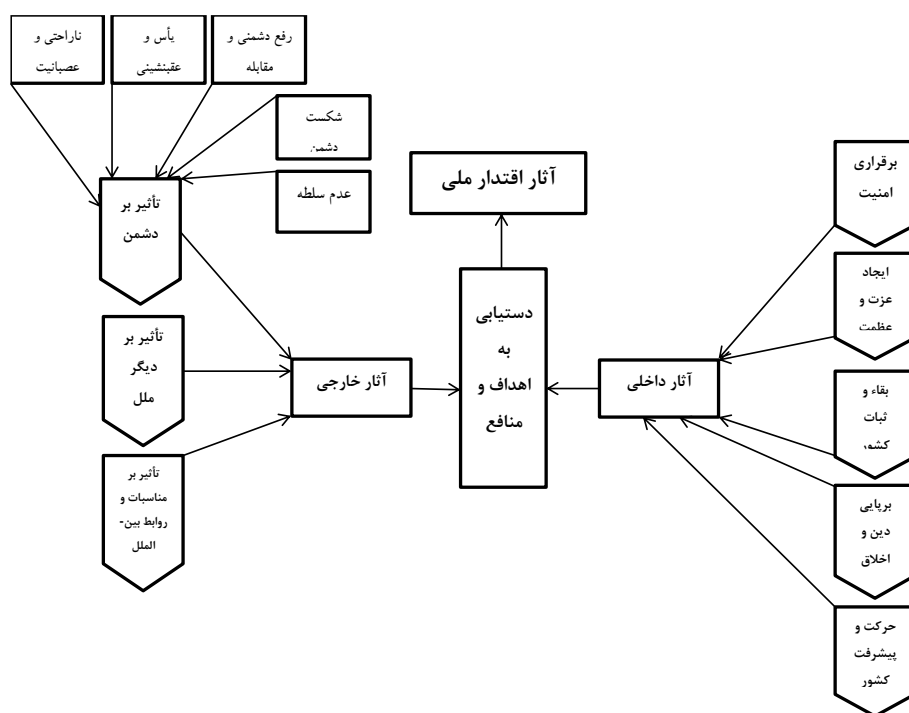
## 3- آثار اقتدار ملی و مبانی قرآنی آن

با بررسی آثار و نتایجی که اقتدار ملی به همراه دارد، می‌توان به علت ضرورت ایجاد، حفظ و افزایش آن به‌خوبی دست یافت. آثار کسب و حفظ اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به بیان‌های مختلفی قابل مشاهده است. با بررسی بیانات معظم‌له، آثار اقتدار ملی شامل 161 کد است که خود به مضامینی تقسیم می‌شود که در ادامه شرح و مبانی قرآنی هر یک بیان می‌شود.

### 3-1- دستیابی به اهداف و منافع

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دستیابی به اهداف و منافع، اثری است که اقتدار ملی در پی دارد (بیانات 90/05/19). هر کشور و نظامی از اهداف، آرمان‌ها و منافع برخوردار است که در مسیر کسب آن‌ها خود را به‌لوازمی مجهز می‌کند. یکی از لوازم دستیابی به آن اهداف و منافع، اقتدار ملی است. حاکمیتی که از اقتدار برخوردار باشد، توان دستیابی به اهداف و منافع خود را دارد. با توجه به معیار دارا بودن حداقل 4 کد، این اثر در بیانات معظم‌له به دو بخش داخلی (30 کد) و

خارجی(81کد) تقسیم می‌شود که در ادامه مضامین هر یک بیان می‌شود.



تصویر 2: شبکه مضامین آثار اقتدار ملی

### 1-1-3- آثار داخلی

منظور از آثار داخلی، آثاری است که سبب سودرسانی به کشور و از اهداف و منافع داخلی نظام نیز محسوب می‌شود. جایگاه اعمال این آثار در داخل مرزها و معطوف به ملت خود است. این آثار به ترتیب فزونی کاربرد شامل: برقراری امنیت، ایجاد عزت و عظمت، بقاء و ثبات کشور، برپایی دین و اخلاق و حرکت و پیشرفت کشور است که در ادامه شرح هر یک و مبانی قرآنی آن - ارائه می‌شود.

#### 1-1-1-3- برقراری امنیت

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد امنیت از چنان اهمیتی برخوردار است که هدف تشکیل نظام جمهوری اسلامی بیان شده است (بیانات 97/04/30)؛ به-خصوص در زمان معاصر (بیانات 98/04/05). برقراری امنیت از آثار اقتدار ملی محسوب می‌شود و همه‌ی جوامع و کشورها برای تأمین امنیت خود به اقتدار نیازمندند (بیانات 89/08/19). افرادی که مختل امنیت ملت -اند، از قدرت برخوردارند؛ بنابراین برای مقابله با آنان باید اقتدار داشت (بیانات 73/04/29). اقتدار نظامی که از ارکان اقتدار ملی است، مانعی بر سر راه مختلان امنیت خارجی است؛ چنانچه در زمان

کنونی نیز اقتدار موشکی عاملی برای امنیت شده است (بیانات 97/03/14). معظم‌له نمایش اقتدار ملی را از وظایف ملت می‌دانند. حضور ملت در اجتماعات، راهپیمایی‌ها، انتخابات، پیشرفت‌های علمی، نیروهای مسلح و... از مظاهر آن است (بیانات 83/11/19؛ 78/11/26؛ 92/11/19).

«امنیت ملی» تعبیری مدرن است؛ در حالی که امنیت مقوله‌ای کهن است. تعریف امنیت به حفظ بقا و موجودیت مقدم‌ترین و مهم‌ترین تعریف امنیت است که به مرور زمان و در نتیجه‌ی تحولات تاریخی، حفظ بقا و موجودیت به هدف آن تبدیل شد و تعریف جدید از امنیت بر فقدان تهدید متمرکز شد (خلیلی، 1384، صص 97، 113 و 118). امنیت پدیده‌ای نسبی احساس ایمنی از ترس، به‌طوری که تهدیدی متوجه فرد و نهادی نباشد، است (صالحی-امیری، 1389، ص 83). اگر حکومتی امنیت نداشته باشد، در گستره‌ی کلان، ادامه‌ی حیات آن به خطر می‌افتد و در گستره‌ی خرد، زندگی آن ملت دچار اختلال می‌شود. در سایه‌ی امنیت است که مردم می‌توانند به انجام کارهای روزمره‌ی خود بپردازند. تعریف نوین امنیت به فقدان تهدید، زمانی معنا دارد که کشوری توانایی، قدرت مقاومت، بازدارندگی یا مقابله به‌مثل را داشته باشد (خلیلی، 1384، ص 123).

در مجموع، امنیت ملی را می‌توان در معنای وجود شرایطی دانست که افراد ملت در آن از هر خطر و تهدیدی نسبت به تمامیت ارضی، استقلال، وحدت ملی، نهادهای حکومتی، ثروت‌های ملی، اقتدار ملی، اعتبار ملی، عقاید و به‌طور کلی، تأمین همه‌ی ارزش‌هایی که در گستره‌ی منافع ملی قرار دارند و در چهارچوب قوانین کشور، به‌طور نسبی اطمینان حاصل نمایند. برخی تعریف امنیت محوری را از اصلی‌ترین مفاهیم منافع ملی می‌دانند (صالحی-امیری، 1389، صص 84-85).

با توجه به تعاریف امنیت و امنیت ملی دو نتیجه حاصل می‌شود: 1- مسئله‌ی امنیت سبب ایجاد دیگر عوامل و آثار اقتدار ملی می‌شود. 2- مسئله‌ی اقتدار و امنیت با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. اگر به امنیت کشوری آسیب وارد شود، به اقتدارش آسیب وارد می‌شود؛ از سویی اقتدار خود به‌وجودآورنده‌ی امنیت است.

قرآن کریم، امنیت را نعمتی از سوی خداوند (الانفال: 26) و فرجامی حتمی برای مؤمنان صالح می‌داند (النور: 55). خداوند در آیات 125 سوره‌ی بقره و 97 سوره‌ی آل-عمران، خانه‌ی کعبه را با ویژگی امنیت معرفی می‌کند. دعای حضرت ابراهیم (ع) نیز داشتن شهری ایمن بود (البقره: 126). خداوند در سوره‌ی قریش، امنیت را به‌عنوان نعمتی که دلیل پرستش خداوند است، برشمرد (قریش: 3-4). با توجه به آیه «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (النساء: 84)، خداوند برای در امان ماندن از آسیب کفار، به جهاد امر می‌نماید. زمخشری منظور از کافران در آیه را قریش می‌داند که پیامبر (ص) به تحریض مؤمنان به جنگ با آنان امر شده است (زمخشری، 1407، ج 1، ص 542). با توجه به

آیه، آنچه مسلم است، جهاد سبب ایجاد امنیت در جامعه می‌شود. با بررسی آیات مرتبط به امنیت، یکی از عواملی که موجب ایجاد امنیت در جامعه می‌شود، کسب قدرت است. جامعه‌ی اسلامی که خواهان ایجاد امنیت در کشور خود است، باید از اقتدار برخوردار باشد. در ادامه شرح برخی از آیاتی که به این مسئله اشاره دارند، می‌آید:

از جمله آیاتی که به این مسئله می‌پردازند، آیاتی است که به اجرای حدود الهی اشاره دارند که لازمه‌ی اجرای آن‌ها، داشتن حکومت و قدرت است. خداوند پس از بیان حکم قصاص برای قاتل می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ...» (البقره: 179). اعمال قصاص در اموری که امنیت جامعه را تهدید می‌کند، نسبت به عفو و بخشش، اصل است و افزون بر سود معنوی، جامعه را از آدم‌کشی و خون‌ریزی محفوظ می‌دارد و موجب ایجاد نظم عادلانه در جامعه می‌شود (جوادی آملی، 1385، ج 9، صص 184-185). به عبارتی، حکم قصاص در احکام دین، سبب می‌شود تا افراد از انجام قتل نفس بترسند. برایشان درس عبرت شود و از ارتکاب آن پرهیز کنند.

آیه 38 سوره‌ی مائده، جزای سرقت را قطع دست بیان می‌کند: «...فَأَقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...». قطع دست، مانند آیه قبل موجب ترس سارق و عدم ارتکاب دزدی می‌شود؛ همچنین مجازات دنیایی کسی که با خدا و رسول(ص) محاربه می‌کند و در زمین فساد می‌کند، چنین بیان شده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا» (المائده: 33). تفسیر میزان، فساد در زمین را با از بین بردن امنیت امکان‌پذیر می‌داند و به باب تفعیل رفتن «يُقَتَّلُوا» و «يُصَلَّبُوا» را نشان شدت و زیادت آن‌ها بیان می‌کند (طباطبایی، 1390، ج 5، صص 326-327). با توجه به آیات ذکر شده، لازمه‌ی اجرای چنین احکامی، وجود حاکمیتی است که اقتدار کافی برای اجرای آن‌ها را داشته باشد.

در آیات 5 و 6 سوره‌ی اسراء، به مسئله امنیت حاصل از اقتدار به‌گونه‌ای دیگر اشاره می‌نماید. آیاتی درباره‌ی بنی‌اسرائیل است که به آنان گفته شده دو بار در زمین فساد سرکشی می‌کنند (طبرسی، 1372، ج 6، ص 614). آیه می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ...» (الاسراء: 5). منظور از فساد، ظلم، گرفتن مال‌ها، قتل انبیاء و خونریزی است؛ برخی نیز گفته‌اند منظور از فساد اول، حمله‌ی جالوت بود که به‌دست طالوت کشته شد (همو، ج 6، ص 614). هر دو تفسیر بیان شده نمایشگر وجود ناامنی در آن جامعه است. خداوند، رفع این ناامنی را با گشت خلنه‌به‌خلنه‌ی افراد نیرومند مطرح می‌کند. طبق آیه رفع ناامنی در جامعه به اقتدار نیازمند است؛ همان‌طور که در تفسیر نور این‌چنین به این مسئله اشاره می‌شود: فراهم کردن اقتدار و قدرت در کشوری برای سرکوبی فتنه‌گران و سلب امنیت از آنان، حتی از طریق گشت خانه‌به‌خانه امر نیکویی است (قرائتی، 1388، ج 5، ص 21).



### 2-1-1-3- ایجاد عزت و عظمت

عزت در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به معنای: «ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد.» (بیانات 91/03/14) و عزت ملی به معنای: «احساس افتخار، متکی به واقعیت» است (بیانات 97/03/07).

عزت در بیانات رهبر معظم، رابطه‌ای دو سویه با اقتدار ملی دارد؛ علاوه بر اینکه عاملی برای کسب اقتدار ملی محسوب می‌شود، از آثار آن نیز هست و اقتدار ابزاری برای کسب و بازیابی عزت، عظمت و شکوه کشور است. (بیانات 80/01/01). به باور معظم‌له، اقتدار ملی نه تنها به‌وجودآورنده‌ی عزت برای ایران اسلامی است، بلکه اقتدار در برابر دشمن، یکی از ارکان برافراشتن پیکره‌ی عزت و شکوه امت اسلامی و دیگر ملل نیز است. ملت‌ها وظیفه دارند خود را مقتدر کنند؛ ملتی که ضعف خود را عیب نداند، شایسته سربلندی و عزت نیست (بیانات 89/08/19).

عزت امری قلبی است که با ظرافت باطنی و قدرت روحی مشخص می‌شود. عزت در افراد به موضع‌گیری صحیح، اقتدار روحی و احتساب رنج‌ها باز می‌گردد. برای دستیابی به عزت در حکومت، نیاز به همراهی با اهداف و دستیابی به طرح جامع و خلق و کشف مهره‌های کارآمد و تشکّل و سازمان‌دهی است. هر چقدر هم جامعه از امکاناتی مانند: هوش بالا، امکانات خام و در دسترس برخوردار باشد، باز هم دلیل و اسیر است؛ مگر اینکه از آرمان‌های ملی برخوردار باشد و مدیریتی مسلط و مهره‌هایی کارآمد داشته باشد که این موارد با دانش و بینش دست‌یافتنی است. حکومت دلیل، حکومتی است که از ریشه‌ها قطع کرده است و واردات می‌کند. به فکر طرح جامع تأمین نیازها و تربیت مهره‌ها و نیروهای انسانی نیست و به دلیل شکست‌های مکرر، ترس دارد؛ درحالی‌که اهداف و آرمان‌های بزرگ است؛ بنابراین خود را باخته است (صفایی حائری، 1386، صص 56، 60-64).

طبق مطالب بالا، مجموع عوامل سازنده‌ی عزت، تشکیل‌دهنده‌ی اقتدار ملی‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت ملتی که اقتدار ملی داشته باشد، به عزت دست می‌یابد. اگر کشوری به قدرتی ملی دست‌یابد و نمایش این قدرت در عرصه‌های داخلی و خارجی نمود یابد، عزت، عظمت و شکوه ملی خواهد داشت. در بخش آثار خارجی، تأثیر اقتدار ملی در ایجاد عزت و شکوه نمایان است.

قرآن کریم عزت را مختص به خداوند می‌داند (النساء: 139) و به فرمایش آیه، خداوند منشأ عزت است و عزت رسول (ص) و مؤمنان در طول عزت خداوند است: «...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...» (المنافقون: 8). در بررسی مبنای قرآنی این محور، آیه‌ای که بر این امر تصریح نموده باشد، یافت نشد.

### 3-1-1-3- بقاء و ثبات کشور

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، اقتدار سبب ثبات و بقای نظام می‌شود. در بیانات معظم‌له، ثبات به معنای: «یک حرکت مستمری است به سمت آرمان‌ها؛ تذبذب و عوض کردن راه وجود ندارد؛ حرکت در خط مستقیم به سمت آرمان‌های معین است اما سازوکارها عوض می‌شود.» (بیانات 90/07/24) و با حرکت و پیشرفت منافات ندارد: «البته ثبات غیر از رکود است. ما در کشور رکود نداریم؛ حرکت داریم؛ پیشرفت داریم؛ جوشش داریم اما نظام، نظام ثابت و مستقری است؛ استحکام دارد.» (بیانات 90/05/16). به باور ایشان، ثبات کشور و نظام، بزرگ‌ترین فرصت در اختیار ملت و مسئولان است. اگر در کشوری ثبات نباشد، فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و حفظ عزت، دفاع از حقوق ملت و... انجام نخواهد شد (بیانات 83/01/02)؛ مشارکت سیاسی از مسائل مهم ثبات در جامعه مردم‌سالار است؛ بنابراین، حضور ملت در راهپیمایی‌ها، انتخابات و... مظهر این اقتدار و پشتوانه‌ی ثبات کشور است (بیانات 83/01/02).

در علوم سیاسی، ثبات به معنای بقای نسبی داشتن نظام مردم‌سالار و قانونی با توجه به خواسته‌های مردم است. به عبارت دیگر، هرگاه نظامی وظایفش را به‌خوبی انجام دهد و با دیگر سیستم‌های فرعی جامعه، رابطه‌ی تعاملی و تعادل داشته باشد و میان حوزه‌های اصلی آن ناهماهنگی و عدم تعادل وجود نداشته باشد، آن نظام با ثبات است؛ بنابراین ثبات سیاسی، مفهومی نسبی است که باید متضمن بقای نظام باشد. برخی نیز ثبات سیاسی را بر اساس هماهنگی یا عدم هماهنگی میان هنجارهای اجتماعی جامعه و الگوهای اقتدار حکومتی بررسی می‌کنند. در مدل ثبات در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی، دو رکن اساسی جمعی بودن اقتدار و مشارکت سیاسی اهمیت دارد (پورفرد، 1398، صص 19-20، 48-97-100).

در بررسی مبنای قرآنی این محور، آیه‌ای که بر این امر تصریح نموده باشد، یافت نشد.

#### 4-1-1-3-برپایی دین و اخلاق

به باور آیت‌الله خامنه‌ای، وجود اقتدار ملی لازمه‌ی برقراری دین و اخلاق در آن جامعه است؛ زیرا گاهی برقراری اوامر و احکام الهی در جامعه نیاز به قدرت دارد (بیانات 80/08/21). وجود اقتدار در جامعه‌ی اسلامی از اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است و مورد نیاز است که از آن به‌عنوان مقدمه‌ای برای اخلاق حسنه یاد شده است: «اگر ما از لحاظ اقتصاد به بالاترین مقام برسیم و از لحاظ سیاست، همین اقتدار و عزتی را که امروز داریم، چند برابر کنیم، ولی اخلاق‌های مردم ما، اخلاق‌های اسلامی نباشد؛ [...] اساس کار از بین خواهد رفت. اساس کار، اخلاق است. همه این‌ها مقدمه اخلاق حسنه است.» (بیانات 77/02/02) و اقتدار ملی ناشی از حضور مردم در عرصه‌های مختلف، یکی از عوامل برافراشته شدن پرچم اخلاق توسط جمهوری اسلامی است (بیانات 80/08/21). جامعه‌ای که در آن اقتدار وجود نداشته باشد، سبب انحطاط سیاسی، دنیا و آخرت، علم و اخلاق و... خواهد شد (بیانات 76/01/21).

همه‌ی پیامبران مبعوث شده‌اند تا جامعه‌ای بر اساس ارزش‌های الهی بنا نهند و انسان‌ها در چنین فضایی تربیت و رشد یابند؛ بنابراین یکی از اهداف و وظایف بسیار مهم

حکومت اسلامی، برقراری دین و اخلاق در جامعه است. تشکیل حکومت دینی، لازمه‌ی اجرای برخی قوانین دینی است؛ بنابراین بر هر مسلمانی واجب است تا برای دستیابی و اجرای قوانین الهی، برای تشکیل حکومت دین مدار تلاش نماید (شجاعی-زند، 1376، صص 13-14). جز به واسطه‌ی اقتدار مؤمنان در حکومت اسلامی، جامعه‌ی توحیدی مبتنی بر تحقق اهداف آرمان‌های الهی شکل نمی‌گیرد (ایزدی، 1396، ص 108)؛ بنابراین اقتدار نظام و حاکمیت جامعه‌ی اسلامی از عوامل لازم برای برپایی و اثربخشی دین خداوند و اخلاق نیکو است.

برقراری دین و اخلاق از آثاری است که آیات قرآن نیز برای اقتدار جامعه اسلامی برشمرده‌اند. در قرآن، قدرت یافتن مؤمنان سبب برقراری دین و ضعفشان سبب باقی ماندن کفر بیان شده است. خداوند مؤمنان را چنین توصیف می‌نماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...» (الحج: 41). برپایی نماز، پرداخت زکات و انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، نشان‌دهنده‌ی برقراری دین است. منظور از «مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ» آن است که به آنان در زمین قدرت دادیم تا بتوانند آنچه می‌خواهند، انجام دهند. با توجه به آیه، اگر به مؤمنان قدرتی دهیم که به واسطه‌ی آن هر نوع حکومتی که بخواهند بتوانند برپا کنند، آنان حکومت بر پایه‌ی دین را انتخاب می‌نمایند (طباطبایی، 1390، ج 14، ص 386). در ادامه به دیگر آیاتی که بر اثر اقتدار ملی بر برپایی دین و اخلاق اشاره دارد، پرداخته می‌شود.

آیه 80 سوره‌ی هود، به نیاز حضرت لوط(ع) به قدرت برای برقراری دین الهی اشاره دارد و می‌فرماید: «قَالَ لَوْ أَن لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوَى إِلَي رُكْنٍ شَدِيدٍ». آیات قبل مطرح می‌کند که با ورود فرستادگان الهی به صورت پسرانی جوان بر آن حضرت، قوم ایشان طمع لواط کردند؛ درحالی‌که پیامبر خدا دختران خود را به عنوان راه حلال رفع نیازشان معرفی کرده بود و آنان نپذیرفته بودند؛ بنابراین می‌فرماید: «کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم یا می‌توانستم به تکیه‌گاهی استوار پناه ببرم».

خداوند در آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ لِلدِّينِ لِهٖ...» (البقرة: 193)، به مسلمانان دستور می‌دهد که با دشمنان خود بجنگند. منظور از فتنه، شرک است (طباطبایی، 1390، ج 2، ص 62). آیه با هدف بیان آخرین مرحله از جنگ با شرک می‌فرماید: حال که قدرتمند شدید، این سرزمین را از شرک و بت‌پرستی پاک کنید (جوادی آملی، 1385، ج 9، ص 627)؛ یعنی خداوند به آنان فرمان می‌دهد تا برای مبارزه با شرک و ایجاد جامعه‌ای توحیدی با دشمنان مبارزه کنند. داشتن قدرت، لازمه‌ی چنین جنگی است. اگر قدرت وجود نداشته باشد، نه تنها این هدف حاصل نمی‌شود، بلکه با ضعف و کشتار مسلمانان، مانعی جدید در راه ایجاد این هدف به وجود می‌آید. آیات اجرای حدود نظیر قصاص قاتل: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ...» (البقرة: 178) و قطع دست سارق: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» (المائدة: 38) نیز به لزوم قدرت اشاره دارند. از آنجایی که حد، عذابی از جانب خداوند است، مجریان باید قاطعانه و بدون ترحم آن را اجرا

نمایند (جوادی آملی، 1389، ج 22، ص 422)؛ بنا بر آیات، جامعه‌ای که در پی اسلامی بودن و اجرای اوامر و احکام الهی است، باید از اقتدار کافی برخوردار باشد.

### 5-1-1-3- حرکت و پیشرفت کشور

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، اقتدار ملی، عاملی برای حرکت و پیشرفت کشور محسوب می‌شود؛ چنانچه عدم وجود اقتدار در ملتی، نشان حرکت به سمت نزول و انحطاط آن ملت است (بیانات 94/01/30). مقام معظم رهبری، علم را که اقتدار است، عامل حرکت بیان می‌کنند (بیانات 89/07/14).

از منظر ایشان، پیشرفتی که کشور به آن نیاز دارد، باید حقیقی، عمیق و متکی به پایه‌ها و استوانه‌های مستحکم داخلی باشد. لازمه‌ی دستیابی به چنین پیشرفتی، حفظ خصوصیات انقلابی، حرکت جهادی، عزت و هویت ملی و مرزبندی با بیگانگان است (بیانات 94/12/20). با توجه به سخن معظم‌له، برای دستیابی به چنین پیشرفتی به قدرت ملی نیاز است؛ از سویی، لوازمی که ایشان برای دستیابی به چنین پیشرفتی بیان کرده‌اند، خود از عوامل اقتدار آفرین است (بیانات 96/01/01؛ 85/01/01؛ 77/07/26).

در علوم سیاسی برای پیشرفت معانی متعددی ذکر شده است؛ از جمله: تغییر از بدتر به بهتر که در نتیجه‌ی تلاش و کوشش انسان حاصل می‌شود یا به حرکت رو به جلو و مطلوب گفته می‌شود یا به جلوه‌گر شدن آثار عقل، معرفت، اقتصاد و... در جامعه گویند (اخترشهر، 1386، ص 93). اگر در کشوری قدرت صالحی وجود نداشته باشد، سرمایه‌ها و منابع مادی و معنوی آن در راه صحیح استفاده نمی‌شود و سازندگی شکل نمی‌گیرد؛ حتی اگر افراد و اعضای جامعه آگاه و فعال باشند و کارهای مختلف و متفرق انجام دهند، باز هم آن کشور چندان رشد و پیشرفت نمی‌کند. حال اگر کارهای سازمان‌یافته‌ی جمعی یا بسیج نیروها، به دست حکومت و صاحبان قدرت انجام گیرد، سبب تأثیر صد چندان آن بر جامعه می‌شود. بیشتر امور کلان اجتماعی و اقتصادی بدون حکومت و وجود قدرت امکان‌پذیر نیست (اسکندری، 1383، ص 296)؛ بنابراین می‌توان گفت حرکت، رشد و پیشرفت کشور در سایه‌ی حاکمیتی مقتدر میسر است. حاکمیتی که از اقتدار کافی برخوردار باشد و بتواند اولویت نیاز به رشد در کشور را به درستی بشناسد و به فعالیت‌های نیروهای مردمی و استفاده از منابع مادی و معنوی در راستای دستیابی به آن، جهت دهد.

در بررسی مبنای قرآنی این محور، آیه‌ای که بر این امر تصریح نموده باشد، یافت نشد.

### 2-1-3- آثار خارجی

منظور از آثار خارجی، آثار به‌دست آمده از اقتدار ملی است که در خارج از مرزهای کشور اعمال می‌شود و سبب تغییر در رفتار و عملکرد دولت‌ها و ملت‌های دیگر می‌شود. این آثار، عاملی برای سودرسانی به کشور جمهوری اسلامی ایران است و موجب دستیابی به اهداف و منافع که مرتبط با خارج از مرزها است، می‌شود. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، این آثار شامل:

تأثیر بر دشمن، تأثیر بر دیگر ملل و تأثیر بر مناسبات و روابط بین‌الملل است که در ادامه شرح هر یک و مبانی قرآنی آن‌ها بیان می‌شود.

### 1-2-3- تأثیر بر دشمن

در این بخش مقصود از دشمن دولت‌هایی مانند: آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای غربی، کشورهای سلطه‌طلب و تجاوزگری هستند که قدرت خود را در تضاد با استقلال و قدرت دیگر ملل می‌دانند. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز کار نظام جمهوری اسلامی، با استفاده از ترندهای مختلفی برای براندازی، تضعیف و نفوذ در نظام تلاش کردند.

پیشرفت ملت ایران در همه‌ی ابعاد، ایجاد موج بیداری اسلامی توسط ایران، زنده شدن شعارهای انقلاب، جدیت مردم و کسب موفقیت دانشمندان از عواملی است که سبب ادامه‌ی دشمنی‌ها تاکنون شده است (اختری، 1392، ص 190). این دشمنی‌ها به شکل‌های متفاوتی صورت گرفته است؛ حمایت از عراق در جنگ تحمیلی، ترور، تهدید، تحریم و...

کسب اقتدار ملی یکی از راه‌های مقابله با چنین توطئه‌هایی است. اقتدار ملی، عاملی برای ایجاد بازدارندگی در مقابل آنان است. بازدارندگی به معنای تعهد مشروط به انتقام یا مجازات است، در صورتی که طرف مقابل به صورت مطلوب و مورد توافق رفتار نکند، است. تمرکز این اقدام منحصراً بر مجازات‌های منفی یا تهدید و ممانعت از رفتار نامطلوب است (علی‌بابایی، 1383، ص 39). فقدان تهدید زمانی معنا دارد که کشور توانایی و قدرت مقاومت و بازدارندگی یا مقابله به مثل را داشته باشد (خلیلی، 1384، ص 123). کشوری که از اقتدار و قدرت ملی برخوردار است، با ایجاد ترس از مقابله در دشمن، سبب منصرف شدن او از ادامه‌ی تهدید و تحریم می‌شود؛ از سویی دیگر، زمانی که کشوری از قدرت کافی برای اداره‌ی خود برخوردار باشد، دیگر اعمال تهدید و تحریم برای سلطه‌گران سودی نخواهد داشت. ملتی که در مقابل تحریم‌های دشمن عاجز و ناتوان شود و از خود درماندگی و لاعلاجی نشان دهد، سبب می‌شود دشمن به خواستش دست‌یابد (اختری 1392، ص 190).

آثار اقتدار ملی در روابط با دشمنان از مهم‌ترین نکات در بیانات مقام معظم رهبری است که به چند بخش تقسیم می‌شود: ایجاد ناراحتی، عصبانیت و ترس دشمن، یأس و عقب‌نشینی دشمن، رفع دشمنی و توان مقابله با آن، شکست دشمن و عدم سلطه‌ی او؛ در ادامه شرح هر یک بیان می‌شود.

ناراحتی و ترس دشمن: اقتدار جمهوری اسلامی عاملی است که سبب ناراحتی، عصبانیت و ترس دشمنان می‌شود و سراسیمگی آنان را در پی دارد. این مسئله در دو بخش داخلی و خارجی قابل بررسی است: در عرصه‌ی داخلی، اقتدار جمهوری اسلامی موجب استقلال و عزت می‌شود و توان نفوذ و سلطه‌ی دشمنان از بین می‌رود؛ از سویی دیگر اقتدار عاملی بازدارنده است؛ یعنی دشمن با مشاهده‌ی وجود قدرت در نظام از تعرض به آن احساس هراس می‌کند (بیانات 88/02/22). در عرصه‌ی خارجی، همان‌طور که در ادامه بیان می‌شود، اقتدار جمهوری

اسلامی الگویی برای دیگر ملل منطقه، جهان و به‌طور خاص، ملل مسلمان است و موجب بیداری اسلامی می‌شود (بیانات 72/02/08). این دو مسئله اقتدار آن‌ها در جهان را به خطر می‌اندازد.

یأس و عقب‌نشینی دشمن: یأس دشمن، از دیگر آثار اقتدار است (بیانات 87/09/24). ابراز ضعف در مقابل دشمن، نتیجه‌ای جز فزونی ضعف نخواهد داشت. ملتی که از خود ضعف نشان می‌دهند و کوتاه می‌آیند، نه تنها خود را از شر آن‌ها در امان نمی‌دارد و پیروز نمی‌شود، بلکه آنان را بر سلطه‌گری و زورگویی جری‌تر می‌کند (بیانات 68/03/30) اما زمانی که نظامی به کسب اقتدار در خود بپردازد، در مقابل دشمن قدرت می‌یابد و آنان هر چه برای تضعیف آن کشور تلاش کنند، نتیجه‌ای نمی‌گیرند و از ادامه‌ی توطئه‌ها مأیوس می‌شوند.

یأس دشمن تنها راهی است که جمهوری اسلامی به‌وسیله آن می‌تواند خود را به‌طور کلی از آسیب دشمن مصون نگاه دارد (بیانات 68/03/26). زمانی که دشمن از توطئه علیه نظام مأیوس شود، نه تنها مجبور به عقب‌نشینی می‌شود و از تهدید و تحریم دست بر می‌دارد، بلکه برای ایجاد ارتباط تلاش می‌کند؛ همچنین می‌توان از کشورهای که خوی استعماری دارند، کسب امتیاز کرد (بیانات 95/03/06). این مسئله در عرصه‌های مختلف صادق است؛ اگر کشوری از اقتصاد قوی، مقاوم و درونی برخوردار باشد، دیگر تحریم و فشار اقتصادی بر او نتیجه‌ای ندارد و بی‌فایده است؛ بنابراین دشمن از توطئه‌ها برای تضعیف آن کشور مأیوس می‌شود و مجبور به عقب‌نشینی از مواضع خود می‌گردد. در مسائل سیاسی و علمی نیز همان‌طور که مذاکرات هسته‌ای نشان داد، به‌همین صورت است (بیانات 95/03/06).

رفع دشمنی و مقابله با آن: همان‌طور که گفته شد، ابراز ضعف در برابر دشمن نه تنها رفع‌کننده‌ی زورگویی‌های آنان نیست، بلکه سبب جری‌تر شدنشان نیز می‌شود. ملتی که در پی رفع توطئه و مقابله با دشمنان خود است، باید دیوار مستحکمی در مقابلشان قرار دهد؛ بنابراین به کسب روزافزون اقتدار نیاز دارد (بیانات 94/02/30). کسب قدرت و اقتدار ملی به‌صورت همه‌جانبه در علم، نیروی نظامی و... تنها راه مقابله با دشمن و علاج فشارهای آنان است (بیانات 87/01/01).

شکست دشمن: وجود اقتدار در نظام سبب شکست و بی‌دفاعی دشمنان خود و دیگر ملل منطقه خواهد شد. 1) شکست دشمنان نظام: تجربه‌ی جمهوری اسلامی نمایان‌گر این اصل است که هر جا نظام از خود اقتدار نشان داد، دشمنان با شکست مواجه شدند. از ابتدای انقلاب نقش اقتدار در این زمینه مشخص بوده است. اقتدار ملت سبب شد تا در جریان انقلاب، حصار آمریکا با شکست مواجه شود؛ ورود مقتدرانه‌ی ملت در جریان سفارت آمریکا، سبب شکست توطئه‌ی آنان و خلق چنان حماسه‌ای در 13 آبان شد (بیانات 78/08/12). اثرات این مسئله تنها به اوایل انقلاب محدود نمی‌شود؛ در تمام سال‌ها، نمایش اقتدار ملت سبب به زانو در آمدن دشمن شد؛ همچنین در زمینه‌های جنگ نرم و غیرمستقیم نیز اقتدار عاملی برای شکست

دشمنان است. اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی سبب شکست غرض‌ورزی‌های فکری و کج‌فهمی‌های دشمنان شد. در گذشته برخی در پی آن بودند تا این باور را در جامعه نهادینه کنند که اسلام به مسجد و زندگی فردی مختص است و درباره‌ی امور اجتماعی بی‌تفاوت است. مستکبران برای خاموش کردن اصلاح‌طلبی مسلمانان، مسئله‌ی جدایی دین از سیاست را مطرح می‌کردند اما امروز اقتدار جمهوری اسلامی، آن را خنثی کرد (بیانات 77/12/28). 2) شکست دشمنان در منطقه؛ نقش اقتدار جمهوری اسلامی، در شکست توطئه‌های آمریکا، صهیونیسم، ارتجاع عرب و داعش در منطقه نیز نمایان است (بیانات 96/09/01).

عدم تسلط دشمن: نبود اقتدار سبب سلطه و طمع دشمن در سرنوشت و آینده‌ی ملت و بلعیده شدن توسط دشمنان می‌شود و غلبه، قهر و تحکم دیگران را در پی دارد (بیانات 97/03/14). اگر جمهوری اسلامی اقتدار نداشته باشد، به دوران ننگینی که در گذشته داشت، باز می‌گردد و مانند رژیم پهلوی که به دلیل ضعف و سستی، استکبار بر تمام امور مردم مسلط بود، خواهد شد (بیانات 69/05/29)؛ همچنین وجود قدرت و اقتدار سبب شده است ایران در برابر بی‌منطقی‌های دشمنان تسلیم نشود: «نظام جمهوری اسلامی حرف دارد؛ منطقی دارد؛ توانائی دارد؛ اقتدار دارد؛ لذا در مقابل حرف غیرمنطقی و کار غیرمنطقی تسلیم نمی‌شود.» (بیانات 91/11/28). تسلیم در برابر استکبار موجب ضعف، ذلت و تحت سلطه قرار گرفتن بیش از گذشته می‌شود. عناصر اقتدار مانعی برای تعرض و تسلط دشمنان بر کشور است؛ بنابراین در تلاشند تا ملت از اقتدار خود دست بردارند.

اثر بر رفتار و روابط با دشمن، از آثاری است که در قرآن کریم نیز به آن توجه شده است و خداوند در آیات زیادی مسلمانان را به قدرت در برابر دشمنان امر می‌نماید. در آیات یکی از اهدافی که برای ضرورت کسب قدرت بیان شده است، ایجاد نیروی بازدارنده در برابر دشمن و تضعیف روحیه‌ی آنان است. غفلت از عوامل قدرت سبب یورش دشمنان است (النساء: 102). جامعه‌ی اسلامی با کسب اقتدار خود موجب ترساندن دشمنان می‌شود؛ در نتیجه‌ی چنین ترسی، آنان از تصمیمات خود علیه جامعه‌ی اسلامی عقب‌نشینی کرده و منصرف می‌شوند.

آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (الانفال: 60) از نمونه‌های بارز ترساندن و ایجاد بازدارندگی در دشمن است. خداوند در ابتدای آیه، جامعه‌ی اسلامی را به کسب قدرت امر می‌نماید و در ادامه به دلیل آن اشاره می‌کند. مرجع ضمیر «هاء» در «تُرْهِبُونَ بِهِ»، «مَا اسْتَطَعْتُمْ» است (زمخشری 1407، ج 2، ص 232)؛ یعنی لازم است مسلمانان برای ترساندن دشمنان خداوند، دشمنان خود و افرادی که از دشمنی‌شان خبر ندارند، در خود نهایت قدرت را به وجود آورند. در آیه 37 سوره‌ی نمل نیز چنین تعبیری بیان شده است: «رَجِعْ إِلَيْهِمْ فَمَا لَنَاءُ تِيْبَهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ». آیه، خطاب حضرت سلیمان (ع) به فرستاده‌ی بلقیس است. با توجه به آیه، هدف از لشکرکشی این است که دشمن خود را در موضع ضعف بداند و قدرت مقابله

را در خود نبیند (مکارم شیرازی و همکاران 1371، ج 15، ص 464).  
 آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...» (التوبة: 123) از دیگر آیاتی است که به این مسئله اشاره می‌کند. آیه به جهاد با کفار امر می‌نماید. عبارت «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» به معنای قدرت و هیبت (قرائتی، 1388، ج 3، ص 524)، خلاف نرمش و رقت (طبرسی، 1372، ج 5، ص 127)، سختی و فشار (زمخشری، 1407، ج 2، ص 324) است. با توجه به آیه، نمایش قدرت به دشمنان و اطلاع آنان از اقتدار جامعه‌ی اسلامی سبب شکست روحیه‌ی عقب‌نشینی و مانعی برای آنان می‌شود (طبرسی، 1372، ج 5، ص 127؛ مکارم شیرازی و همکاران، 1371، ج 8، ص 197).

آیه «...لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء: 141) به نهی از سلطه‌پذیری مؤمنان اشاره دارد. با توجه به آیه، مؤمنان برای اعاده‌ی نفی سبیل به قدرت نیازمندند. مقابله با دشمن و شکستشان از دیگر آثار اقتدار در روابط با دشمن است که در آیات به آن توجه شده است. به این مسئله در آیاتی که مرتبط به جهاد است و آیاتی که در خلال محور برقراری امنیت بیان شد، اشاره شده است.

## 2-2-3- تأثیر بر دیگر ملل

در جهان امروز ملل مختلف بر یکدیگر اثرگذارند. این اثرگذاری ممکن است در سطح همسایگی، منطقه‌ای یا در گستره‌ای بزرگ‌تر، قاره‌ای باشد. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای این اثرگذاری در دو بخش می‌تواند نقش‌آفرینی کند:

1) مسئله‌ای که در این عنوان قابل بررسی است، الگوگیری دیگر ملل از ایران است (بیانات 84/02/11) یا به عبارتی ایجاد موج بیداری اسلامی در جهان. الگو شدن ایران در اقتدار سبب تشویق مسلمانان جهان به بالا بردن نام اسلام در دنیا می‌شود (بیانات 72/02/28). ایجاد امید در ملت‌ها و خروجشان از حالت انفعال، از نتایج اقتدار جمهوری اسلامی است (بیانات 69/04/25)؛ همین مسئله موجب ترس دشمنان از اقتدار این نظام شده است؛ زیرا بیداری ملت‌ها سبب شکست آنان و سیاست‌هایشان در آن ملل می‌شود. احیای اسلامی با حرکت فکری-سیاسی جمال‌الدین اسدآبادی و محمد اقبال لاهوری آغاز شد (منوچهری 1388، ص 31) و در ادامه با وقوع انقلاب اسلامی و قدرت یافتن نظام جمهوری اسلامی، موج بیداری اسلامی ادامه یافت. انقلاب اسلامی و اقتدار نظام جمهوری اسلامی، سبب عزت شیعیان و مسلمانان در جهان شد. سبب تشویق دیگر ادیان الهی به دین و خداپرستی گردید (مصباح یزدی، 1387، صص 145-146)؛ چشم امید دیگر مسلمانان به ایران است؛ تضعیف ایران سبب تضعیف آنان و اقتدار کشور مایه‌ی اقتدار جهان اسلام است (امیری، 1395، ص 103).

2) کسب اقتدار دولت و ملت، در جهت کمک به دیگر ملل نیز حائز اهمیت است و بیش از همه ساخت اقتدار درونی کشور می‌تواند در اوضاع منطقه اثرگذار باشد. اگر بتوان بر ملتی که اسیر نظام سیاسی باطل و پر فشار است یا ملتی که دچار گرسنگی، فقر و بدبختی است، کمک کرد و از



این کار اجتناب نمود، گناه است. کسب اقتدار به نظام، تولدایی انجام چنین کاری را می‌دهد (بیانات 88/11/12).

با بررسی آیات قرآن کریم به دست می‌آید که خداوند به لزوم تأثیر مسلمانان بر دیگر ملل توجه نموده است. خداوند مسلمانان جهان را نسبت به یکدیگر مسئول می‌داند. جامعه‌ی اسلامی در برابر اصلاح جوامع بشری و دفاع از مظلوم وظایفی دارد؛ چنانچه حمایت از مظلوم در برابر ظالم به عنوان اصلی اسلامی است (مکارم شیرازی و همکاران، 1371، ج 2، ص 28) که در آیات نیز به آن توجه شده است.

مسلمانان نسبت به یکدیگر و نسبت به دیگر ملل مسئولند. آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (آل عمران: 110)، مسلمانان را به دلیل ایمان و امر به معروف و نهی از منکر، بهترین امت معرفی می‌کند. امت اسلام با امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها کشور خود، بلکه در گستره‌ای بزرگ‌تر می‌تواند دیگر ملل را نیز اصلاح نماید. آیه «وَمَا لَكُمْ لَأ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (النساء: 75) از دیگر آیاتی است که به این مسئله اشاره دارد. منظور از «وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»، مسلمانانی از مکه بودند که توان مهاجرت نداشتند (طبرسی، 1372، ج 3، ص 107). خداوند مسلمانان را به حمیت ممدوح و تعصب حسن ترغیب می‌نماید (جوادی آملی، 1389، ج 19، ص 515)؛ یعنی مسلمانان باید نسبت به یکدیگر تعصب و غیرت مکتبی داشته باشند و نسبت به استغاثه‌ی یکدیگر بی‌تفاوت نباشند و تلاش برای رهایی مستضعفان جهان از چنگال ستمگران جهان، از اهداف جهاد اسلامی است. آیه نشان‌دهنده‌ی لزوم مقتدر بودن ارتش اسلامی است تا توان نجات بخشی محرومین جهان از چنگال مستضعفان را داشته باشند (قرآتی، 1388، ج 2، ص 107).

همچنین آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ...» (الحجرات: 9). منظور از «افْتَلُوا» هر نوع نزاع و درگیری است؛ نه فقط نزاع و درگیری در جنگ سخت و نبرد (مکارم شیرازی و همکاران 1371، ج 22، ص 167). با توجه به آیه، مسلمانان نسبت به امور یکدیگر مسئولند و بی‌تفاوتی شان نسبت به یکدیگر قابل پذیرش نیست. به طور خاص در آیه، امت اسلامی باید بر ضد گروه یاغی بسیج شوند (قرآتی 1388، ج 9، صص 177-178).

همان‌طور که در تفاسیر بیان شد، با توجه به آیات اخیر، مسلمانان برای دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان، باید از اقتدار برخوردار باشند؛ زیرا اگر ملت مسلمان قدرتمند نباشد، نه تنها نمی‌تواند از حقوق دیگر ملل دفاع نماید و حق را به صاحب آن برساند، بلکه خود نیز دچار تضییع حقوق و دیگر مشکلات خواهد شد.

### 3-2-3- تأثیر بر مناسبات و روابط بین الملل

به باور آیت‌الله خامنه‌ای، لازمه‌ی شرکت در فضای بین‌الملل، وجود قدرت برای کشورها است؛ اگر کشوری اقتدار نداشته باشد، در کشاکش تصمیمات و اقتدارطلبی دیگر ملل لگدمال خواهند شد (بیانات 88/07/14). از سویی دیگر، نقش‌آفرینی در تحولات دنیا و مجامع بین‌المللی به نفع آینده‌ی نظام، کشور و تاریخ آن خواهد بود و برای این نقش‌آفرینی به کسب اقتدار نیاز است (بیانات 89/03/18). وجود اقتدار بر سهم نظام در مناسبات بین‌الملل نیز تأثیر مستقیم دارد؛ به هر میزانی که نظام قوی و مقتدر باشد، به همان میزان در مناسبات بین‌الملل سهم خواهد داشت. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، درون‌زا بودن اقتدار است. اگر اقتدار ملی از درون نجوشد، خود عاملی برای تضعیف جایگاه در عرصه‌ی بین‌الملل خواهد شد (بیانات 92/06/06)؛ برای نمونه: کسب اقتدار علمی موجب سیاست برتر و دست‌والای سیاسی در دنیا می‌شود (بیانات 84/10/29).

روابط بین‌الملل به مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اعضا بین‌الملل، برای تأمین منافع و دستیابی به مصالح و دفع ضررها از خود گویند (آقای، 1382، ص 18). به عقیده‌ی برخی، با وجود حاکمیت مرکزی در کشورها تا حدودی ستیزها بر سر قدرت کمتر شده است اما در جهان بین‌الملل و سیاست خارجی، چون حاکمیتی متمرکز وجود ندارد که قدرت‌طلبی کشورها را کنترل نماید، هر کشوری حیات سیاست خارجی خود را طوری تنظیم می‌کند که بتواند به منافع و امنیت خود در جامعه‌ی بین‌الملل دست‌یابد؛ بنابراین جنگ و منازعه برای دستیابی به منافع خود در عرصه‌ی بین‌الملل، امری طبیعی است. در این میان رئالیست‌ها به قدرت و منافع در روابط بین‌الملل تأکید دارند. به باور آن‌ها قدرت مرکز ثقل و عامل تعیین‌کننده‌ی روابط بین‌الملل است. آن‌ها تنها راه رسیدن به صلح را توازن قدرت می‌دانند که می‌تواند قدرت طرف مقابل را مهار کند (همو، صص 35 و 52)؛ به علاوه، ضعف و اقتدار ملل در روابط بین فرهنگی نیز اثرگذار است. اگر ملتی توهم اقتدار یا اعتماد به نفس پایین داشته باشند، نمی‌توانند ارتباط مؤثر و مناسبی برقرار کنند (محسنی، 1398، ص 205).

در جهان امروز، همه‌ی ملل ناگزیر به روابط با دیگر ملل‌اند؛ بنابراین برای ایجاد ارتباطی مؤثر، دستیابی و حفظ منافع خود، باید از موضع قدرت برخورد نمایند. برخی از کشورها مانند آمریکا، برای دستیابی به قدرت و منافع خود به هر کاری روی می‌آورند و در این جهت نسبت به دیگر ملل زورگویی و سلطه‌گری می‌کنند؛ بنابراین برای دستیابی به اهداف، منافع و حفظ امنیت خود در برابر آنان باید از اقتدار برخوردار بود. حتی اگر کشوری بخواهد به ترویج فرهنگ صحیح پردازد و مانند آرمان‌گرایان برای برقراری صلح بین‌المللی ایده‌ی خلع سلاح را در مجامع بین‌الملل عملی نماید، به قدرت و اقتدار نیاز دارد تا بتواند چنین مسئله‌ای را در آن عرصه مطرح کند. در بررسی مبنای قرآنی این محور، آیه‌ای که بر این امر تصریح نموده باشد، یافت نشد.

## نتیجه‌گیری

قرآن کریم مطلق قدرت را متعلق به خداوند می‌داند و خداوند را خاستگاه قدرت معرفی می‌کند. اقتدار در قرآن به دو بخش ممدوح و مضمون تقسیم می‌شود که معیار این تقسیم‌بندی، حق‌گرایی است. موضع آیات نسبت به اقتدار ایجابی و سلبی است. آیات الهی کسب اقتدار برای برقراری دین و... را ضروری می‌دانند و از به‌کارگیری اقتدار برای ظلم و تعدی نهی می‌کنند. اقتدار در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به یک واحد سیاسی تعلق می‌گیرد که از ارکان، اجزاء و اقسامی برخوردار است. به دو سطح حقیقی و ظاهری تقسیم می‌شود که اقتدار ظاهری بر عوامل مادی اقتدار متکی است و اقتدار حقیقی به عوامل معنوی. درون‌زایی، همه‌جانبه بودن و مبرا از ظلم‌گرایی از ویژگی‌های آن است.

دستیابی به اهداف و منافع اثری است که اقتدار ملی در بیانات معظم‌له در پی دارد که خود به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. بخش داخلی شامل: برقراری امنیت، ایجاد عزت و عظمت، بقاء و ثبات کشور، برپایی دین و اخلاق و حرکت و پیشرفت کشور و بخش خارجی شامل: تأثیر بر دشمن، تأثیر بر دیگر ملل و تأثیر بر مناسبات و روابط بین‌الملل می‌شود.

با بررسی در آیات قرآن کریم، برای همه‌ی محورها غیر از بقاء و ثبات کشور، حرکت و پیشرفت کشور، ایجاد عزت و عظمت و تأثیر بر مناسبات و روابط بین‌الملل، مبانی استخراج گشت.

## فهرست منابع

- 1- قرآن کریم
- 2- اخترشهر، علی، (1386)، اسلام و توسعه، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 3- اختری، عباسعلی، (1392)، اقتصاد مقاومتی: زمینه‌ها- راهکارها، تهران، امیرکبیر.
- 4- اسکندری، محمدحسین، دارابکلانی، اسماعیل، (1383)، پژوهشی در موضوع قدرت، قم، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه.
- 5- امیری، ابوالفضل، (1395)، نفوذ و تحدید جمعیتی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات عملیات روانی، (44)، 83-107.
- 6- ایزدهی، سجاد، (1396)، مشارکت سیاسی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 7- آقایی، داوود، (1382)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نسل نیکان.

- 8- بودون، ریمون، بوریکو، فرانسو، (1385)، فرهنگ انتقادی جامعه شناسی، عبدالحسین نیک-گهر، تهران، فرهنگ معاصر.
- 9- پورفرد، مسعود عبدالحسین، (1398)، ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 10- جواد آملی، عبدالله، (1385)، تسنیم، قم، اسراء.
- 11- .....، (1389)، تسنیم، قم، اسراء.
- 12- خلیلی، رضا، (1384)، تحول تاریخی-گفتمانی مفهوم امنیت، استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 13- زمخشری، محمود بن عمر، (1407)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی.
- 14- شجاعی-زند، علیرضا، (1376)، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- 15- صالحی امیری، سیدرضا، (1389)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- 16- صفایی حائری، علی، (1386)، از معرفت دینی تا حکومت دینی، قم، لیلۃ-القدر.
- 17- طباطبایی، محمدحسین، (1390)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- 18- طبرسی، فضل بن حسن، (1372)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل-الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو.
- 19- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، محمد، شیخ-زاده، (1390)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده-های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال 5، (2).
- 20- علی-بابایی، غلامرضا، (1383)، فرهنگ روابط بین-الملل، تهران، وزارت امور خارجه.
- 21- قرائتی، محسن، (1388)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس-هایی از قرآن.
- 22- قرشی، علی-اکبر، (1354)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 23- کمالی، یحیی، (1397)، روش-شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره 4، (2)، 189-208.
- 24- لاریجانی، علی، غلامی ابرستان، غلامرضا، (1390)، روابط اقتدار و مشروعیت در نظام

- سیاسی اسلام، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره 4، (16)، 65-92.
- 25- محسنی، حمید، (1398)، دانش و انتقال دانش، تهران، نشر کتابدار.
- 26- مصباح یزدی، محمد تقی، (1387)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ره).
- 27- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (1371)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 28- منوچهری، عباس، (1388)، نظریه‌های انقلاب، تهران، سمت.
- 29- سایت KHAMENEI.IR
- نرم‌افزار جامع‌التفاسیر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.



